

بررسی رابطه توسعه تکنولوژیک با ابعاد توسعه اجتماعی
(مطالعه تطبیقی استان های کشور)

مجید فولادیان (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

fouladiyan@um.ac.ir

محمد توکل (استاد جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mtavakkol@gmail.com

محسن سوهانیان حقیقی (دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران)

mohsenhaghighi@mail.um.ac.ir

چکیده

چندین دهه بود که مفهوم توسعه یافتگی اقتصادی بعنوان یکی از بنیان های با ثبات، در برنامه ریزی کشورهای در حال توسعه قرار گرفته بود. در کشور ما نیز چه پیش از انقلاب و چه پس از آن رویکرد توسعه صنعتی، راهبرد اصلی دولت های حاکم بوده است. این در حالی است که اکنون سال هاست چه به شکل نظری و چه در عمل ایرادات چنین استراتژی نمایان شده است. بر این اساس در مقابل این رویکرد استراتژی های دیگری از جمله توسعه اجتماعی و توسعه پایدار اهمیت یافته اند. در این تحقیق با توجه به اولویتهای توسعه صنعت و تکنولوژی در تمام مناطق کشور داشته است، به بررسی تأثیرات گسترش تکنولوژی بر ابعاد مختلف توسعه اجتماعی (توسعه اجتماعی توزیعی و انسانی) پرداخته می شود. در این راستا سؤالات اصلی که قصد بررسی آنها را داریم عبارتند از: (۱) استان های کشور از نظر توسعه تکنولوژیک و توسعه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارند؟ و (۲) توسعه تکنولوژیک چه تأثیری بر ابعاد مختلف توسعه اجتماعی در استان های مختلف کشور گذاشته است؟ پژوهش حاضر از نوع تبیینی است، و برای بررسی فرضیات تحقیق از روش «تطبیقی کمی» استفاده شده است.

نتایج حاکی از آن است که استان سمنان با بیشترین نرخ توسعه تکنولوژیک بر حسب جمعیت، رتبه نخست را در میان استان های کشور دارا می باشد و پس از آن به ترتیب استان های یزد و قزوین قرار دارند. در میزان توسعه یافتگی اجتماعی در بعد توزیعی، استان یزد بیشترین میزان توسعه یافتگی را داراست. استان فارس نیز رتبه نخست را در میزان سرمایه اجتماعی دارد و بیشترین میزان نابرابری نیز متعلق به استان های گلستان و تهران است. نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر این مطلب است که تقریباً ۴۴ درصد از واریانس و تغییرات بعد توزیعی توسعه اجتماعی توسط توسعه تکنولوژیک تبیین می شود. آماره ها گویای این واقعیت است که متغیر توسعه تکنولوژیک با بتای ۰,۶۸، بطور مستقیم بر بعد توزیعی توسعه اجتماعی تأثیر می گذارد، این بیانگر این مطلب است که متغیر توسعه تکنولوژیک بر میزان توسعه اجتماعی در بعد توزیعی استان ها مؤثر است. همچنین نتایج نشان داد که توسعه تکنولوژیک استان ها بر میزان سرمایه اجتماعی و همچنین میزان نابرابری در استان ها تأثیر معناداری ندارد.

کلیدواژه ها: توسعه تکنولوژیک، توسعه اجتماعی توزیعی، توسعه اجتماعی انسانی،

سرمایه اجتماعی، نابرابری

مقدمه و طرح مسئله

دو نوع رویکرد عمده در استراتژی های توسعه یافتگی وجود دارد. این دو رویکرد به رویکرد های "توسعه از پایین" و "توسعه از بالا" مشهور هستند (لهسایی زاده، ۱۳۸۱: ۱۴). رویکرد توسعه از بالا (مرکز) در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ریشه دارد و نمونه آمایشی آن، مفهوم قطب رشد است. تئوری اساسی این رویکرد آن است که توسعه، از تقاضای خارجی و ضربه های رشد ناشی می شود و به صورت پویا و خودبه خودی در سایر بخشهای منطقه رسوخ خواهد کرد. این نوع استراتژی، علاوه بر جهت گیری خارجی، ماهیتاً شهری- صنعتی و سرمایه بر بوده و متکی بر فناوری پیشرفته و پروژه های بزرگ می باشد. این دیدگاه مخصوصاً در میان اقتصاددانان دیدگاه غالب بوده است. براساس این دیدگاه با تحقق توسعه

صنعتی و تکنولوژیکی، توسعه اجتماعی هم محقق خواهد شد. اکثر تئوری های رشد و توسعه مخصوصاً تا قبل از دهه ۱۹۷۰ بر همین مبنا صورت بندی شده اند. (نگاه شود به: دومار، ۱۹۷۵؛ مید ۱۹۶۷؛ کالدور ۱۹۶۷؛ فلدمن، ۱۹۶۸ و سولو ۱۹۶۶) رویکرد توسعه از پایین، استراتژی جدیدتر و بازتابی از تغییر اندیشه های مربوط به ماهیت خود توسعه است. هدف اولیه توسعه از پایین، ارضای نیازهای اساسی ساکنان منطقه است و براین اساس، توسعه، مبتنی بر بسیج حداکثر منابع طبیعی، انسانی و نهادی منطقه است. برای خدمت به توده مردم و مناطق محروم، سیاست های توسعه باید مستقیماً مسائل فقر را هدف بگیرند و در ابتدا از پایین برانگیخته و کنترل شوند (گونج و میسرا، ۱۳۶۸).

در کشور ما تلاشهای زیادی چه قبل و چه بعد از انقلاب صورت گرفت تا کشور را از عقب ماندگی رها کرده و به توسعه برساند. پنج برنامه قبل از انقلاب و پنج برنامه بعد از انقلاب در همین راستا طراحی و کم و بیش اجرا شدند. قبل از این برنامه ها نیز گرچه برنامه های عمرانی دولت (چه در زمان رضا شاه و چه پس از او) تحت عنوان برنامه توسعه و یا عمرانی مطرح نبود، ولی همه آن تلاشها در راستای مدرن کردن صنعت کشور بوده و تاکید آنها بر توسعه و رشد تکنولوژیک بوده است (موسایی، ۱۳۸۸: ۹۸). بنابراین در ایران حداقل سه دلیل الگوی توسعه از "بالا به پایین" در کشور حاکم بوده است. دلیل اول وجود ساختارهای اقتصادی و سیاسی متمرکز است. ساختارهای اقتصادی و سیاسی یک کشور، یکی از مهمترین عوامل تعیین رویکرد توسعه در آن است. اغلب کشورهای در حال توسعه دارای ساختارهای متمرکز اداری در تصمیم گیری و سیاستگذاری هستند (همان). در ایران این ساختار میراثی نامیمون از فضای تاریخی و اجتماعی گذشته است (قاضی مرادی، ۱۳۸۰). دوم اینکه، درآمدهای نفتی منجر به تمرکزگرایی در برنامه ریزی های اقتصادی مخصوصاً در بعد صنعتی و تکنولوژیک در ایران شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲)، به این معنی که امور مربوط به سیاستگذاری های اقتصادی و صنعتی و تهیه و تدوین برنامه های توسعه صنعتی و اجتماعی در پایتخت و چند منطقه دیگر متمرکز شده است (بدون مشارکت جدی سایر مناطق کشور)

و مناطق خارج از پایتخت به میزان قدرت چانه زنی و یا نفوذی که در مرکز دارند، می توانند در درآمدهای آغشته به نفت سهم باشند و سهم بیشتری برای توسعه صنعتی و تکنولوژیک بدست آورند. سوم اینکه، نوعاً دولت های کشورهای در حال توسعه به دلیل تعقیب هدف دستیابی به توسعه اقتصادی، به دنبال کسب نرخ های رشدی بوده اند که بتواند اقتصاد آنها را هر چه سریع تر به آرمان مورد نظرشان نزدیک کند. غلبه این تفکر بر دولتمردان این کشورها موجب ظهور رشدسالاری اقتصادی صنعتی در این جوامع شده است (ماتسوموتو، ۲۰۰۸: ۴۸۰).

در تعقیب سیاست رشدسالاری، از یک سو وجود درآمدهای سرشار نفتی و از سوی دیگر توجه به گسترش صنعت به عنوان بخشی از اقتصاد که از پتانسیل بالایی برای تحقق نرخ های رشد بالای اقتصادی برخوردار است موجب شد که دولت ها در مناطقی که به دلایل برخورداری های طبیعی و یا نفوذ بیشتری که افراد این مناطق در دولت، مراکز برنامه ریزی و سیاست گذاری دارند، سرمایه گذاری های عظیم صنعتی انجام دهد.

اما طولی نکشید که آثار این تمرکزگرایی صنعتی و اقتصادی بر همگان آشکار شد. از یک سو، مهاجرت های بی رویه از مناطقی که عمداً یا سهواً مورد بی توجهی قرار گرفته بودند به مناطق صنعتی با رشد سریع شهرنشینی و بروز پدیده حاشیه نشینی در این مناطق همراه بوده و از سوی دیگر، آلودگی زیاد هوا، زمین و آب ها از دیگر عوارض تمرکزگرایی فوق بود (سلیمی فر و همکاران، ۱۳۸۸). از این رو نیروی انسانی متخصص و کارآمد، سرمایه و تکنولوژی به سوی مناطق مستعد حرکت کرد و در نتیجه با رسمیت یافتن برخی متغیرهای اجتماعی بعنوان یکی از معیارهای اساسی توسعه جهان، در ایران نیز این متغیرها در مناطق توسعه یافته از نظر تکنولوژیکی که نیروی اصلی توسعه اقتصادی کشور در آنجا قرار داشت، گسترش یافتند. این امر خود به گسترش بیشتر نابرابری درون ناحیه ای و همچنین بین ناحیه ای منجر شده است.

بنابراین ملاحظه می شود که در دوران معاصر ایران همیشه رویکرد توسعه از بالا حاکم بوده است و براساس این رویکرد این توسعه صنعتی و تکنولوژیک است که بعنوان عامل، در پی خود انواع پیامدها از جمله ابعاد مختلف توسعه اجتماعی و همچنین نابرابری را به دنبال دارد. بر این اساس سه سؤال اساسی در این پژوهش مطرح می شود:

(۱) استان های کشور از نظر وضعیت توسعه تکنولوژیک و توسعه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارند؟

(۲) توسعه تکنولوژیک چه تاثیری بر ابعاد مختلف توسعه اجتماعی در میان استان های کشور گذاشته است؟

(۳) آیا توسعه تکنولوژیک به افزایش نابرابری منجر شده است؟

دیدگاه نظری تحقیق

توسعه اجتماعی

با توجه با اینکه توسعه از ابعاد مختلف برخوردار است، بعد اجتماعی توسعه یکی از مهمترین ابعاد آن تلقی می شود. افزایش دانش، مشارکت اجتماعی، بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت و درمان، مسکن، اشتغال، حمل و نقل، از جمله مفاهیمی هستند که در توسعه اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرند. این مفاهیم با گسترش صنعت در استان های مختلف در ارتباط مستقیم هستند. برای مثال، گسترش صنعت و تکنولوژی استان ها می تواند زمینه ساز تحقق بسیاری از مفاهیم یاد شده در استان شود. در حالیکه صنعت بزرگ و بیگانه با نیازهای مردم موجب کاهش بسیاری از مفاهیم یاد شده از قبیل مشارکت اجتماعی شوند. در این مقاله ابتدا به بررسی ابعاد توسعه اجتماعی پرداخته می شود و سپس تأثیر توسعه تکنولوژیک هر استان را با این ابعاد مورد بررسی قرار می دهیم.

در ارائه تعاریفی از مفهوم توسعه اجتماعی باید گفت که این مفهوم توسعه در فرآیند برنامه های توسعه در کشورهای مختلف متکامل شد (گلیزر، ۲۰۰۸) و انواع تعاریف که ترکیبی از آنها که در حوزه توسعه اجتماعی قرار می گیرند محور اصلی چارچوب نظری این

مطالعه خواهد بود. در این بخش با بررسی تاریخی این تعاریف روند تکامل و تحول آن را پی می گیریم و بر اساس این تحول دو بعد مختلف از توسعه اجتماعی را مطرح می کنیم. توسعه اجتماعی، با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه ارتباط تنگاتنگ داشته و در بعد عینی خود ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می باشد (ازکیا، ۱۳۷۷).

مرکز توسعه منطقه ای ملل متحد^۱ به سال ۱۹۸۳ در نشست گروه متخصصان خود پیرامون برنامه ریزی توسعه اجتماعی در سطح محلی و منطقه ای معانی گوناگون توسعه اجتماعی تا آن زمان را چنین دسته بندی کرده است (UNCRD, 1985):

۱- به یک مفهوم توسعه اجتماعی در جایگاه توسعه بخشی و تدارک خدمات اجتماعی مانند بهبود کیفیت زندگی مردم از راه آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصلاحات ارضی، توسعه محلی، رهایی یا ایمنی در برابر آسیب های طبیعی می باشد.

۲- در معنایی دیگر توسعه اجتماعی به معنای حمایت و تدارک خدمات برای کسانی است که به آن نیاز ویژه دارند؛ و نیز به مفهوم شرکت دادن زنان و کودکان و گروه های ناتوان در توسعه و تأمین خدمات برای آنان است.

۳- برخی دیگر توسعه اجتماعی را علاقه مندی زیاد به تدارک خدمات رفاهی تلقی می کنند، در حالی که دیگران به این عبارت در معنای «ارضای نیازهای اساسی» و توسعه توانایی های انسانی بخش های آسیب پذیر جامعه می نگرند.

۴- سرانجام رویکردی کل باورانه تر^۲، توسعه اجتماعی را برآوردن نیازهای مادی و دست یافتن به اهداف اجتماعی همچون برابری و عدالت اجتماعی و اقتصادی می داند.

1. United Nation Centre of Regional Development
2. Holistic

تشکیل اجلاس سران کشورهای جهان در زمینه توسعه اجتماعی منعقد در کپنهاگ پایتخت کشور دانمارک (ششم تا دوازدهم ماه مارس ۱۹۹۵ برابر بیست و یکم تا بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۷۳) که به اجلاس توسعه اجتماعی مشهور است.^۱ با تصویب بیانیه ای تحت عنوان بیانیه کپنهاگ، موضوعات توسعه اجتماعی را مشخص ساخته با تدوین برنامه عمل^۲، شیوه اجرای تعهدات را پیشنهاد کرده است.^۳

اخیراً بیشتر بر مفاهیم مثبت توسعه اجتماعی بویژه سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و انرژی اجتماعی تأکید می‌شود (پوتنام، ۲۰۰۰ و جاکوبز و دیگران، ۱۹۹۹). مک فارلند می‌گوید: «توسعه اجتماعی عبارتست از پیچیدگی فزاینده سازمان اجتماعی به گونه‌ای که این سازمان قادر می‌شود انرژی‌ها و خلاقیت انسانی را برای تحقق اهداف و خواسته‌های جامعه، ایجاد، سازماندهی و متجلی کند؛ صرفنظر از اینکه آن اهداف فیزیکی، بهداشتی، اقتصادی، رفاهی باشند یا شناخت، فهم ذهنی یا آگاهی معنوی.» (مکفارلند و دیگران، ۱۹۹۹: ۱۹-۱). باز بر همین سیاق، جاکوبز و کلورلند توسعه اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند. «نوعی حرکت مستقیم صعودی جامعه از سطوح پایین انرژی، کارایی، کیفیت، بهره‌وری، پیچیدگی، خلاقیت، انتخاب و بهره‌مندی به سطوح بالاتر است (جاکوبز و کلورلاند، ۱۹۹۹: ۱۷-۷-۱). ایشان همچنین توسعه اجتماعی را «فرایند تبدیل انرژی انسانی به ظرفیت اجتماعی و نتایج مادی» تعریف می‌کنند (همان: ۷).

1. WSSD, World Summit for Social Development

2. Action plan

۳. تعهدات اجلاس کپنهاگ به این شرح می‌باشد: تعهد اول: ایجاد فضای توانمندسازی یا قابلیت‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی برای توانمندسازی آحاد مردم در دستیابی به توسعه اجتماعی. تعهد دوم: ریشه‌کنی فقر در جهان آن هم از طریق اقدامات به هم مرتبط و متکی ملی و بین‌المللی به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و به مثابه رسالت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نوع بشر. تعهد سوم: تلاش برای تحقق اشتغال کامل به عنوان اولویتی اساسی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و توانمندسازی همه افراد برای تأمین نیازهای اساسی آن هم از طریق اشتغال مولد و آزادانه. تعهد چهارم: بهبود و یکپارچگی اجتماعی از طریق تقویت ثبات اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و امن آن هم بر اساس حمایت از حقوق بشر.

تعاریف دیگر از توسعه اجتماعی بر مضامین «سازگاری متعادل میان فرد و جامعه»، «ایجاد امنیت» و «ایجاد شرایطی با حقوق و فرصت های برابر»، «شکوفایی فرد» تأکید می کنند. (عبدالرحمان، ۲۰۱۰)

دپارتمان توسعه اجتماعی بانک جهانی در سال ۲۰۰۱، توسعه اجتماعی را به مثابه ترکیب سه مفهوم «قدرت بخشی^۱» (یعنی برخورداری از حق انتخاب فردی)، «پوشش^۲» (تأکید نهادها و سیاست ها بر نیازهای افراد فقیر جامعه و توجه به آنها) و امنیت (یعنی ارتقاء ثبات اجتماعی و امنیت انسانی) تعریف کرده است (بانک جهانی: ۲۰۰۱).

در همین راستا «چلبی» توسعه اجتماعی را اینگونه تعریف می کند که؛ اجتماع ملی (جامعه ای) با افزایش ادغام (عمدتاً از طریق گسترش روابط انجمنی)، بسط اعتماد تعمیم یافته و تعریض افق هنجاری آحاد جامعه (به ویژه از طریق گسترش جامعه مدنی) توسعه می یابد. با این توسعه، نظم جامعه صبغه اجتماعی به خود می گیرد و در نتیجه، طراوت اجتماعی و صمیمیت و رای گروه های اولیه در فضای جامعه برای همگان کم و بیش محسوس می شود و به همراه آن سطح همکاری اجتماعی و میزان هم افزونی (سینرژی) در جامعه ارتقا می یابد (چلبی، ۱۳۷۵). در واقع توسعه اجتماع ملی با افزایش روابط اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته و روابط انجمنی همراه است (افه و فوش، ۲۰۰۲: ۱۹۰).

با توجه به تعاریف و نظریات مطروحه در قسمت قبل ما می توانیم بگوییم مفهوم توسعه اجتماعی فرایندی حول دو محور و رویکرد است: **رویکرد اول**، توزیع مجدد امکانات و منابع است. در این رویکرد، خواسته ها و امیال مادی و فیزیکی انسان ها نظیر ثروت، رفاه، خدمات از اهمیت اساسی برخوردارند، لذا بر فعالیت ها و نهادهای حول رفع نیازهای مادی و فیزیکی نظیر بهداشت، تغذیه، خدمات و تأمین اجتماعی، تولید مثل و... تأکید می شود (بعد توزیعی). **رویکرد دوم**، به رسمیت شناختن گروه ها و افراد و حضور برابر آنها در

1. Empowerment
2. Inclusion

جامعه است که اهداف فرهنگی و انسانی توسعه را مطمح نظر دارد. این کارکرد، حول اهداف فرهنگی نظیر مشارکت، انتخاب، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، و برابری اجتماعی است. (بعد انسانی)

ارتباط توسعه تکنولوژیک با ابعاد توسعه اجتماعی

پدیده صنعت از سایر سازمان ها و نهادها جدا نیست؛ یعنی اینکه صنعت پدیده ای جدا از جامعه نیست، بلکه ضمن اینکه با جامعه در ارتباط است، و از آن تأثیر می پذیرد، بر آن نیز تأثیر می گذارد. بسیاری از تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پدید آمده در جامعه عمدتاً ناشی از وجود صنعت و توسعه تکنولوژیکی آن است. عامل صنعت بسیاری از تغییراتی را به دنبال آورده که در گذشته بی سابقه و تقریباً غیر محتمل بوده است. همین طور، توسعه اجتماعی - اقتصادی نیز به نوبه خود توسعه صنعتی را تقویت می نماید. بنابراین، اثر دو پدیده یاد شده بر یکدیگر ضمن اینکه متقابل می باشد، مکمل یکدیگر نیز هست (توکلی حسینی، ۱۳۷۵: ۷۴؛ بالاسا، ۱۳۶۸). وبلن نیز بر این عقیده بود که تغییرات اجتماعی رابطه مستقیمی با سطح تکنولوژی موجود در جامعه دارد (وبلن، ۱۹۱۲). او تأکید داشت که سطح تکنولوژی موجود در جامعه نقشی حیاتی در تایید فرهنگ آن دارد، تاثیر تکنولوژی بر جامعه همیشه مستقیم نیست بلکه می تواند با تاخیر و غیر مستقیم باشد. به عبارت دیگر تکنولوژی جدید با تغییر در نهادها، هنجارها و ارزشها ساخت کل جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد (وبلن به نقل از دیلینی، ۱۳۹۱: ۳۰۶).

نکته مهم این است که صنعت و تکنولوژی در تحول موارد ذیل چه تأثیری می تواند داشته باشد؟ صنعت چگونه در اشتغال، درآمد زایی، بیکاری، آموزش، توسعه تسهیلات آموزشی، بهداشت و تسهیلات درمانی و مهاجرت و توسعه امکانات رفاهی می تواند تأثیر گذار باشد. و نکته مهم دیگر این که صنعت تا چه اندازه در توسعه و ابعاد توسعه اجتماعی هر استان می تواند موثر باشد؟

همچنین بررسی منابع و پژوهش های مربوط به توسعه نشان می دهد که تحقیق در مورد رابطه بین توسعه اجتماعی و توسعه صنعتی و تکنولوژیک حداقل به چهار نتیجه متفاوت منتهی شده است:

- توسعه اجتماعی بر توسعه تکنولوژیک و صنعتی اولویت دارد
- توسعه تکنولوژیک و صنعتی و توسعه اجتماعی دو رخداد نامربوط به هم هستند.
- توسعه اجتماعی و توسعه تکنولوژیک هیچ یک علت اصلی دیگری نیستند، بلکه هر دو به هم وابسته هستند.
- توسعه اجتماعی محصول رشد صنعتی و تکنولوژیک است (مزمارد، ۱۹۹۶: ۳۶۱).

دیدگاه اول، رشد صنعتی و تکنولوژیک را نتیجه توسعه اجتماعی تلقی می کند، از این رو، به توسعه اجتماعی اولویت می دهد. این دیدگاه از یک طرف رویکرد درآمدی به فقرزدایی را به باد انتقاد می گیرد و معتقد است که معمولاً هیچ درآمد اضافی صرف اقلام اساسی رفاه فردی نمی شود؛ مضافاً اینکه برخی از نیازهای اساسی از طریق خدمات عمومی بهتر تأمین می شوند. از طرف دیگر، همچنان که «هیکس^۱» اظهار می دارد، در دیدگاه اخیر، توسعه حداقل سرمایه اساسی انسانی پیش شرط شتاب گیری رشد ستانده (صنعتی) محسوب می شود (همان). «سیمونکونتزس» برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۱ در رشته اقتصاد، به پرسش فوق این گونه پاسخ داده است: «۹۰ درصد از توسعه گذشته در کشورهای صنعتی به دلیل افزایش سرمایه نبوده است، بلکه به سبب بهبود در زمینه های انسانی: مهارت، کاردانی، مدیریت و... بوده است. ظرفیت های انسانی به عوض سرمایه، عامل نخست در فرایند توسعه صنعتی بوده است. و بنا به گفته «هاربیسون^۲»، پیشرفت اصولاً زاده کوشش انسان است.

1. Hicks
2. Fredrick Harbison

فوکویاما نیز معتقد است سرمایه اجتماعی با گسترش اعتماد میان مردم، رواج هنجارها و ارزشهای مشترک و ایجاد شبکه های روابط اقتصادی مختلف، موجب می شود که هزینه های معاملاتی به طور محسوسی کاهش پیدا کند و این امر موجب گسترش سرمایه گذاری در عرصه صنعت و تکنولوژی می شود (ازکیا، ۱۳۸۴). بدین ترتیب امکانات بالقوه رشد تکنولوژیک، اجتماعی و سیاسی یک ملت ناشی از توانایی آن ملت است و اینکه واقعاً و تا چه حد می تواند استعدادهای نهفته افراد را پرورش داده و آنها را مورد استفاده قرار دهد، می باشد (هاریسون و مایرز، ۱۳۵۰: ۲۳). این رویکرد رویکرد ایده آل نویسندگان مقاله می باشد که به نظر می تواند زمینه های ظهور تکنولوژی در جامعه را با کمترین پیامدهای آن بدنبال داشته باشد.

دیدگاه دوم را، که توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی را نامربوط می داند، «زوکاس^۱» مطرح می کند. او معتقد است که توسعه تکنولوژیک می تواند بدون توسعه اجتماعی محقق شود (مزمارد، ۱۹۹۶: ۳۶۲). بر اساس این دیدگاه ممکن است در جامعه ای توسعه صنعتی و تکنولوژیک اتفاق بیافتد، اما شاخص های توسعه اجتماعی از وضعیت مناسبی برخوردار نباشند (مهرگان و دیگران، ۱۳۸۷). مطالعات مربوط به رابطه رشد صنعتی و توزیع درآمد به عنوان یکی از مولفه های توسعه اجتماعی که توسط تودارو صورت گرفته، عدم ارتباط میان این دو را نشان می دهد (تودارو، ۱۳۷۱).

مطالعات دیگری در زمینه توسعه بیانگر دیدگاه سوم هستند؛ اینکه رشد صنعتی و تکنولوژیک و توسعه اجتماعی به شدت به هم وابسته اند (جباری، ۱۳۸۲). برای مثال «سرنیواسان^۲» بر این اعتقاد است که سیاست های توسعه صنعتی و سیاست های معطوف به توسعه نیازهای در هم تنیده شده اند. او اظهار می دارد که تأکید بیش از حد بر نیازهای اساسی، حداقل در کوتاه مدت، به توسعه تکنولوژی آسیب می رساند و می تواند برآوردن

1. Zuvekas
2. Srinivasan

آینده نیازهای اساسی را نیز به مخاطره اندازد (مزمارد، ۱۹۹۶: 362-363). رویکرد سوم در سال های اخیر بیش از پیش مطرح و تقویت شده است و در اجلاس های بین المللی، از جمله اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی، بر آن صحنه گذاشته اند. (گروتارت و باستلر ۲۰۰۲: ۸۲-۴۲)

دیدگاه چهارم، که توسعه اجتماعی را محصول توسعه (رشد) اقتصادی و توسعه تکنولوژیک می داند عموماً در سیاست های توسعه پذیرفته شده است. این سیاست ها بر برنامه های اقتصادی ویژه ای تأکید دارند و فرض می کنند که رشد صنعتی به ایجاد توسعه اجتماعی منجر می شود (پاستینی، ۱۹۶۲؛ کان و ماتیوس، ۱۹۶۴). رویکرد «ریزش از بالا به پایین»^۱، که سازمان ملل متحد آن را برای توسعه جهان سوم در اوایل دوره بعد از جنگ جهانی پذیرفته بود، در این دیدگاه مطرح می شود (براهمن، ۱۳۸۱). گرچه رویکرد «ریزش از بالا به پایین» از سال ۱۹۷۰ به بعد، به دلیل ناکارآمدی آن در پاسخگویی به نیازهای اساسی، مورد انتقاد قرار گرفته است، هنوز مطالعات گواه بر این هستند که رویکرد مذکور به حیات خود ادامه می دهد (هاگن: 1980). این رویکرد در این مقاله از اهمیت محوری برخوردار است، زیرا همانگونه که در مقدمه ذکر شد پارادایم حاکم بر فضای توسعه ای کشور حول همین رویکرد می باشد و دولتمردان فعلی کشور از این نظریه تبعیت می کنند.

مدل نظری

تکنولوژی در جهان غرب به همراه توسعه اجتماعی با یکدیگر تغییر و تحول داشته اند. زیرا تغییرات و رشد تکنولوژی به صورت تدریجی اتفاق افتاده است، بنابراین جامعه نیز فرصت داشته است تا خود را از نظر فرهنگی و اجتماعی با تغییرات تکنولوژیک هماهنگ کند. لذا سرمایه اجتماعی مدرن مورد نیاز تکنولوژی مدرن به تدریج در جوامع شکل گرفته

1. Trickle down

است. همچنین فناوری‌هایی که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به کار گرفته شده‌اند برای همان وضعیت طراحی شده‌اند (فرانکوئیس، ۲۰۰۲).

اما شرایط برای کشورهای که در مقایسه با غرب دیرتر توسعه می‌یابند، متفاوت است. در مورد آنها این ایده وجود دارد که مزیت دیرتر توسعه یافتن در این است که امکان نوعی جهش تکنولوژیک را برایشان ایجاد می‌کند. کشورهایی که تازه توسعه می‌یابند مجبور به اختراع مجدد فناوری‌ای که منبع رشد کشورهای غربی به شمار می‌آیند، نیستند. آنها به سادگی می‌توانند مجوزهای کاربردی آن فناوری را برای تولید به دست آورند. اما پیامد این شیوه توسعه تکنولوژیک (به دلیل ورود ناگهانی اش به جامعه) به دو صورت مثبت و منفی می‌تواند بر توسعه اجتماعی تأثیر گذارد.

در نوع تأثیر مثبت توسعه تکنولوژیک بر توسعه اجتماعی، مکانیسم تأثیر به این شیوه است که تولیدکننده‌ای موفق به فعالیت می‌پردازد و تکنولوژی جدیدی را وارد می‌کند، فعالیت او برای دیگران منفعت ایجاد می‌کند، چه فعالیت‌های پایین دست و چه فعالیت‌های بالا دست. لذا موفقیت او برون داده‌ها یا پیامدهای خارجی بیشتری را برای دیگران به همراه می‌آورد. این پیامدهای مثبت بر قابلیت اعتماد می‌افزاید. در واقع پیامدها هستند که منافع پویایی لازم را برای توسعه اجتماعی اقتصاد فراهم می‌کنند (بانس، ۲۰۰۴؛ کوزنتس، ۱۹۶۲؛ بیسین و وردیر، ۲۰۰۱ و فرانکوئیس، ۲۰۰۲).

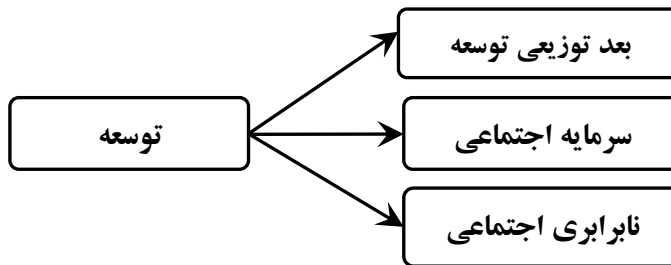
اما دومین استدلال که توضیح دهنده تأثیر منفی توسعه تکنولوژیک به توسعه اجتماعی است، بر این نظر است که امکان پیشرفت سریع (بواسطه ورود تکنولوژی از خارج) جذاب به نظر می‌رسد ولی در عمل ممکن است به نتایج شدیداً مخربی در توسعه اجتماعی بیانجامد. این مشکلات زمانی رخ می‌نمایند که فناوری‌های مدرن به رغم منافعی که در افزایش بهره‌وری دارند، مستلزم آسیب شدید به بخشی از تولیدکنندگان ریسک‌پذیر باشند. عادت‌ها پایدارند و ترجیحات نمی‌توانند یک شبه تعدیل شوند. وقتی فناوری جدید کارآمدتری به مرحله بهره‌برداری می‌رسد، بذریه هر چه بیشتر قابلیت اعتماد را با خود

به همراه دارد، اما در آغاز و برای مدتی، سطوح قابلیت اعتماد تقریباً در همان سطحی که پیش تر بود باقی می ماند. فناوری جدید هرچه در مقایسه با نوع قدیم آن تفاوت بیشتری داشته باشد، عدم تعادل بیشتری را نیز بین سطح موجود سرمایه اجتماعی و سطح مورد نیاز آن برای فناوری جدید به وجود می آورد. اگر این اختلاف بسیار گسترده باشد، فناوری جدید ماندگار نخواهد بود و کارآفرینانی که آن را معرفی کرده اند شکست خواهند خورد و به دنبال آن کارآفرینان کمتری ریسک تولید مدرن را خواهند پذیرفت. پس منافع پویای قابلیت اعتماد نیازمند پیامدهای مثبت تولید شده به وسیله کارآفرینان موفق است، و این شکست کارآفرینان در واقع تهدیدی برای سرمایه اجتماعی جامعه است. اگر تعداد زیادی از کارآفرینان دست از کار بکشند، انگیزه های تکاملی در جهت گرایش به فرصت طلبی آغاز می شود. این امر نه تنها موجب شکست فناوری جدید و کارآمدتر می گردد، بلکه به تدریج با تخریب جسارت کارآفرینی، هر سطح موجود از قابلیت اعتماد در میان مردم را می فرساید. بنابراین تلاش های مربوط به ایجاد تغییرات بزرگ به شکست می انجامند، چراکه نوعی عدم تناسب بین سطح اولیه سرمایه اجتماعی جامعه و سرمایه اجتماعی مورد نیاز برای فناوری جدید وجود دارد (فرانکوئیس، ۲۰۰۲؛ کالن و فانگ، ۲۰۱۵).

در این شرایط اکثر اینگونه کشورها دچار دوگانگی اجتماعی فرهنگی شده و هر روز علاوه و عدم تعادل اقتصادی، دچار عدم تعادل های اجتماعی و فرهنگی هم می شوند؛ یعنی از شاخص های توسعه اجتماعی فاصله می گیرند (قرباغیان، ۱۳۷۰؛ الیاس، ۱۳۶۴؛ عبداللهی، ۱۳۸۶ و موسایی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر اینگونه توسعه تکنولوژیک در کشور پیرو باعث توزیع مناسب درآمد و توزیع بهتر فقر نشده است (تودارو، ۱۳۷۱).

همانگونه که گفته شد با وجود آنکه رابطه متقابلی میان توسعه تکنولوژیک و توسعه اجتماعی وجود دارد، رویکرد به کار گرفته شده در کشور ما مانند سایر کشورهای پیرو از پیش از انقلاب تاکنون همراه با توسعه نامتوازن صنعتی بوده است و تأثیر گسترش توسعه تکنولوژیک بر متغیرهای اجتماعی مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. با توجه به رویکرد

حاکم بر استراتژی گسترش توسعه صنعتی و تکنولوژیک در کشور، در این مقاله هدف ما سنجش تأثیر توسعه تکنولوژیک بر ابعاد توسعه اجتماعی است.



روش تحقیق

پژوهش حاضر که از نوع تبیینی است، در مقام آزمون مدعا یا مقابله فرضیات نظری با واقعیت هایی که این فرضیات بر آنها دلالت دارند از «روش تطبیقی کمی» استفاده کرده است. واحد تحلیل «استان»، سطح تحلیل «کشور» و واحد مشاهده «استان / سال» می باشد. این طرح بر اساس داده های کمی استانها در بین سال های ۱۳۹۵-۱۳۸۰، انجام گرفته است. تکنیک گردآوری داده ها، تحلیل ثانویه می باشد و داده ها نیز از منابع زیرگردآوری شده اند:

- سرشماری سال ۱۳۹۵
 - سالنامه آماری کشور ۱۳۹۴
 - گزارش های پراکنده از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
 - نشریات وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی
 - آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت
 - پیمایش ملی سرمایه اجتماعی کشور در سال ۹۴
- در این تحقیق استراتژی تمام شماری (نمونه در دسترس) مدنظر قرار گرفت.

اما برای سنجش میزان نابرابری استان های کشور در هر کدام از شاخص ها، ابتدا میزان برخورداري ۵ استان اول (که دارای بهترین رتبه در شاخص مورد نظر بوده اند) با هم جمع و سپس بر مجموع میزان برخورداري ۵ استان انتهای جدول (که دارای پایین ترین رتبه در شاخص مورد نظر بوده اند) تقسیم کرده ایم و این عدد را مبنایی برای سنجش شکاف استان ها در برخورداري از هر کدام از شاخص ها، فرض کرده ایم.

فرضیات تحقیق

در این مقاله سه فرضیه اصلی بررسی تجربی می شود:

- ۱) توسعه تکنولوژیک تأثیر معناداری بر بعد توزیعی توسعه اجتماعی دارد. بدین نحو که با افزایش توسعه تکنولوژیک این بعد از توسعه اجتماعی نیز افزایش می یابد.
- ۲) توسعه تکنولوژیک رابطه معکوسی با سرمایه اجتماعی دارد.
- ۳) هر چه توسعه تکنولوژیک در استانی افزایش یابد، نابرابری در آن استان افزایش می یابد.

تعریف متغیرهای تحقیق

توسعه اجتماعی

الف) توسعه اجتماعی توزیعی: در این تحقیق منظور ما از توسعه اجتماعی به تعریف سازمان ملل و اجلاس کپنهاک نزدیک است و توسعه اجتماعی را، با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه در ارتباط تنگاتنگ دانسته. بعد عینی توسعه اجتماعی ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می باشد. بر این اساس و با توجه به داده های موجود شاخص توسعه اجتماعی را بوسیله ۱۶ متغیر سنجدیده

ایم^۱. متغیرهایی که در این مقاله برای سنجش سطح توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده است عبارتند از:

نرخ بیکاری: اشتغال و بیکاری از جمله موضوع های اساسی اقتصاد هر کشوری است، به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی جوامع تلقی می شود. نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰.

نرخ مشارکت اقتصادی (اشتغال): عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار ۱۰ ساله و بیشتر، ضرب در ۱۰۰.

تعداد افراد به پزشک: نسبت تعداد افراد هر استان در مقابل یک پزشک (در این مقاله شامل همه پزشکان با هر تخصصی).

تعداد افراد به تخت درمانی: تعداد افراد هر استان در مقابل یک تخت درمانی.

تعداد افراد به داروخانه: تعداد افراد هر استان در مقابل یک داروخانه پاره وقت و تمام وقت.

مرگ و میر اطفال زیر یک سال: تعداد مرگ شیرخواران کمتر از یک سال به مولید زنده سال معین ضرب در ۱۰۰۰.

سهم اشتغال در بخش صنعت: نسبت سهم اشتغال در بخش صنعت در مقایسه با بخش های عمده دیگر اقتصاد (کشاورزی و خدمات)

۱. برای امکان مقایسه نمرات متغیرهای تحقیق و سهولت در گزارش این نمرات، ابتدا همه متغیرها در این مقاله با استفاده از روش استانداردسازی مقیاس یافته‌اند سپس برای رفع ابهام ناشی از منفی بودن نمرات Z و نیز حذف ارقام اعشاری، از نمرات تراز شده T یا "مک کال" استفاده شد.

برای تبدیل نمره Z به T از فرمول روبرو استفاده شده است: $T=10(Z)+50$.

بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌ای که هر متغیر به خود اختصاص می‌دهد ۲۰ و بیشترین مقدار ۸۰ می‌باشد.

درصد فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای به کل فارغ التحصیلان دوره متوسط: در صد فارغ التحصیلان متوسطه که در رشته فنی و حرفه ای به نسبت دیگر رشته ها (ریاضی، تجربی و انسانی) فارغ التحصیل شده اند.

میزان شهرنشینی: عبارت است از نسبت جمعیت نقاط شهری به کل جمعیت ضرب در

۱۰۰.

امید به زندگی در بدو تولد: تعداد سال هایی که انتظار می رود هر یک از افراد جامعه در بدو تولد با در نظر گرفتن الگوی مرگ و میر خاص جامعه، درآینده زنده بمانند.

نرخ باسوادی: عبارت است از نسبت تعداد افراد باسواد به جمعیت ۶ ساله و بیشتر،

ضرب در ۱۰۰.

سرانه کتابخانه: عبارت است از نسبت کتابخانه های عمومی هر استان به کل جمعیت

استان.

سرانه تلفن ثابت: عبارت است از نسبت تلفن های ثابت در حال استفاده هر استان به کل

جمعیت استان .

سرانه تلفن همراه: عبارت است از نسبت تلفن های همراه در حال استفاده هر استان به

کل جمعیت استان .

ضریب نفوذ اینترنت: عبارت است از تعداد کاربران اینترنت 6 ساله و بیشتر به کل جمعیت

ضرب در ۱۰۰.

سرانه سینما: نسبت سینماهای فعال هر استان به کل جمعیت استان.

ب) توسعه اجتماعی انسانی: در این مقاله مفهوم توسعه اجتماعی انسانی را نیز با توجه به

داده های موجود با دو شاخص متمایز می سنجمیم. شاخص اول سرمایه اجتماعی و شاخص

دوم نابرابری.

۱- سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی بعد دیگری از توسعه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان به معنای توانایی و اعتباری دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می کند. این مفهوم را بیشتر با سطح اعتماد اجتماعی و میزان عضویت در انجمن های رسمی و غیر رسمی می سنجند. سرمایه اجتماعی، مفهومی ترکیبی است که «موجودی» یا میزان این هنجارها و شبکه ها را جز منابع سرمایه اجتماعی به حساب می آورند که با به کار بردن آن ها، نتایجی چون رابطه متقابل، رفتار غیر خودخواهانه و اعتماد عاید جامعه می شود. از این منظر، سرمایه اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت «جامعه مدنی» است (تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

در این مقاله داده های سرمایه اجتماعی برگرفته از پیمایش ملی سرمایه اجتماعی کشور در سال ۹۴ است.

۲- نابرابری: ضریب جینی یکی از شاخص های سنجش نابرابری در جامعه است و آن عددی است بین صفر و یک (و یا صفر تا صد) که در آن صفر به معنی توزیع کامل برابر درآمد یا ثروت و یک به معنی نابرابری مطلق در توزیع است. در این مقاله ضریب جینی مناطق شهری و روستایی هر استان متناسب با جمعیت شهری و روستایی آن استان با هم ادغام و با عنوان نمره نابرابری هر استان منظور گردیده است.

توسعه تکنولوژیک

تعاریف متعددی از تکنولوژی موجود است، ولی همگی شامل جنبه های اجتماعی، معرفتی، اطلاعاتی، مهارتی و کاربردی مختلف می شوند. چند تعریف معروفی که از تکنولوژی ارائه شده عبارتند از: «بکارگیری هدفمند معرفت علمی برای منظور عملی یا تولیدی؛ در نتیجه تکنولوژی عبارتست از روش تکنیکی برای کسب و رسیدن به اهداف عملی».

«تکنولوژی عبارتست از بکارگیری منظم (سیستماتیک) عقلانیت جمعی انسان جهت کسب کنترل بیشتری بر طبیعت و پروسه های مختلف انسانی» (توکل: ۱۳۷۳).

بر این اساس توسعه تکنولوژی عبارت است از بکارگیری از روش ها و وسایل پیشرفته فنی در فرایند تولید.

در این تحقیق برای سنجش توسعه تکنولوژیک هر استان ابتدا کدهای دو رقمی ISIC^۱ که نشان دهنده رشته فعالیت های اقتصادی می باشد به چهار^۲ متخصص و مسئول در عرصه صنعت کشور داده شد تا هر رشته فعالیت اقتصادی را از نظر سطح تکنولوژی مورد استفاده در آن به سه سطح، پایین، متوسط و بالا، طبقه بندی کنند. پس از این مرحله تمام واحدهای

۱. یک طبقه بندی مرجع برای طبقه بندی کلیه فعالیت های اقتصادی می باشد که در سال ۱۹۴۸ تدوین و مورد تأیید ISIC و تصویب کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد قرار گرفته و تجدید نظرهایی در سال های ۱۹۵۸، ۱۹۶۸، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ در آن بعمل آمده و آخرین تجدیدنظر نیز در شرف انجام می باشد. ISIC ابزاری اساسی برای مطالعه پدیده اقتصادی و ترویج قابلیت مقایسه اطلاعات و ارتقاء و توسعه سیستم های آماری ملی معتبر می باشد. طبقات ISIC در جزئی ترین سطح آن (دسته ها) بر اساس آنچه که در بیشتر کشورها بعنوان ترکیب مرسوم فعالیت ها در واحدهای آماری تعریف شده طراحی شده است. گروه ها و قسمتها سطوح کلی تر این طبقه بندی، واحدهای آماری را برحسب ویژگی ها، تکنولوژی، سازمان و منابع مالی تولید ترکیب میکند. استفاده وسیعی از ISIC هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی در طبقه بندی اطلاعات بر حسب نوع فعالیت در زمینه های جمعیت، تولید، استخدام، تولید ناخالص ملی و سایر فعالیت های اقتصادی بعمل آمده است (اداره آمار سازمان ملل متحد، ۱۳۷۱).

علت انتخاب ISIC به عنوان سیستم طبقه بندی:

- طبقه بندی ISIC در برگزیده کلیه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در سطح بین المللی می باشد.
- امکان مقایسه روند فعالیتها در سطح ملی و بین المللی در صورت بکارگیری طبقه بندی ISIC وجود دارد.
- توصیه کمیسیون آمار سازمان ملل متحد به کلیه کشورهای عضو جهت استفاده از طبقه بندی ISIC.
- استفاده ۹۸ کشور در قاره های مختلف جهان از طبقه بندی ISIC.
- بکارگیری طبقه بندی ISIC در اغلب سازمانهای اقتصادی و صنعتی ایران (مرکز آمار ایران، وزارت صنایع و معادن، بانک مرکزی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ارزی وزارت نیرو و ... (طباطبائیان و غریبی، ۱۳۸۸).

۲. این کارشناسان عبارت بوده اند از؛ سید رضا فاطمی امین (رئیس ستاد تحول صنایع و معادن و معاون برنامه ریزی وزارت صنایع)، سید مهدی نیازی (معاون معاونت ماشین سازی و نیروی محرکه وزارت صنایع و معادن)، علیرضا قلی زاده (مدیر دانش ستاد تحول صنایع و معادن) و سیدرضا حسینی (کارشناس ارشد وزارت صنایع و معادن) که از همکاری همه آنها تشکر می شود.

صنعتی هر استان بر اساس این طبقه بندی کدگذاری شدند. سپس به واحدهای صنعتی که در رشته فعالیت اقتصادی از نظر تکنولوژی در سطح پایین قرار داشتند ضریب یک، به واحدهایی که از نظر تکنولوژی در سطح متوسط قرار داشتند ضریب ۳ و به آنهایی که در سطح بالا از نظر تکنولوژی قرار داشتند ضریب ۵ داده شد. پس از محاسبه این ضریب ها در کل واحدهای صنعتی استان ها، در نهایت برای هر استان نمره ای به دست آمد که نشان دهنده میزان توسعه یافتگی تکنولوژیک آن استان بود. برای تراز کردن این نمره با سایر شاخص ها این نمره بر میزان جمعیت هر استان تقسیم شد تا بنحوی هم متغیر جمعیت کنترل شود و عدد به دست آمده نشان دهنده سرانه توسعه تکنولوژیک در آن استان است. بر این اساس این اولین بار است که ضریب توسعه تکنولوژیک هر استان به طور نسبتاً دقیق محاسبه شده است.

یافته های توصیفی تحقیق

قبل از اینکه به آزمون فرضیات پردازیم نیمرخی کلی از متغیرهای تحقیق ارائه می گردد، تا شمای کلی بحث تا حدودی روشن شود.

جدول ۱- مقایسه نمره و رتبه استان ها در شاخص های مختلف

رتبه استان در میزان نابرابری	نمره استان در میزان نابرابری ^۲	رتبه استان در میزان سرمایه اجتماعی	نمره استان در میزان سرمایه اجتماعی ^۱	رتبه استان در بعد توزیعی توسعه اجتماعی	نمره استان در بعد توزیعی توسعه اجتماعی	رتبه استان در توسعه تکنولوژیک	نمره استان در توسعه تکنولوژیک	استان
۱۹	۲۹۲۲	۱۲	۲۸۳۳۷	۲	۴۶۵.۲۰	۱	۳۰۹.۳۶	سمنان
۲۷	۲۶۱۷	۱۰	۲۸۵۲۳	۱	۴۸۷.۶۸	۲	۳۰۲.۷۵	یزد

۱. برگرفته از نتایج سنجش سرمایه اجتماعی کشور در سال ۹۴

۲. برگرفته از داده های ضریب جینی مرکز آمار ایران در سال ۹۴ با ادغام ضریب جینی شهری و روستایی

ادامه جدول ۱

رتبه استان	رتبه استان در میزان نابرابری ^۲	رتبه استان در میزان سرمایه اجتماعی	رتبه استان در میزان سرمایه اجتماعی ^۱	رتبه استان در بعد توزیعی توسعه اجتماعی	رتبه استان در بعد توزیعی توسعه اجتماعی	رتبه استان در توسعه تکنولوژیک	نمره استان در توسعه تکنولوژیک	استان
۲۱	۲۹۰۰	۲۶	۲۶۶۸۱	۱۱	۳۳۱.۹۹	۳	۲۷۳.۹۲	قزوین
۱۷	۲۹۹۵	۳	۲۹۶۲۶	۶	۳۷۱.۸۴	۴	۲۴۹.۲۷	قم
۱۶	۳۰۹۳	۲۵	۲۶۷۳۶	۹	۳۴۶.۹۶	۵	۲۲۱.۹۰	مرکزی
۳	۳۴۷۳	۳۰	۲۶۴۲۵	۴	۴۱۳.۲۷	۶	۱۹۸.۰۲	اصفهان
۵	۳۴۰۰	۹	۲۸۶۱۶	۸	۳۴۹.۹۳	۷	۱۴۹.۱۹	آذربایجان شرقی
۲۸	۲۶۰۰	۱۵	۲۸۱۵۳	۲۴	۲۳۹.۴۷	۸	۱۴۵.۲۷	ایلام
۲۵	۲۶۹۵	۷	۲۹۰۰۶	۱۲	۳۲۴.۹۸	۹	۱۲۴.۰۱	زنجان
۹	۳۳۰۰	۲۱	۲۷۶۷۷	۲۰	۲۶۰.۱۱	۱۰	۱۱۵.۷۶	چهارمحال و بختیاری
۱۰	۳۲۶۳	۲۳	۲۷۵۵۹	۷	۳۶۸.۶۱	۱۱	۹۲.۲۶	گیلان
۲	۳۵۴۳	۲۷	۲۶۵۹۷	۳	۴۲۵.۳۳	۱۲	۸۸.۲۳	تهران ^۳
۱۴	۳۲۱۹	۱۱	۲۸۳۷۴	۱۴	۳۱۵.۱۴	۱۳	۸۷.۹۷	همدان
۲۳	۲۸۱۱	۲۲	۲۷۵۷۳	۵	۳۷۳.۹۵	۱۴	۸۵.۸۹	مازندران
۳۰	۲۴۸۵	۱۳	۲۸۳۱۰	۲۸	۲۱۳.۱۲	۱۵	۸۵.۱۳	لرستان
۴	۳۴۲۲	۲۰	۲۷۶۹۵	۱۹	۲۶۲.۲۸	۱۶	۸۳.۰۹	کرمان
۶	۳۳۹۴	۱	۳۰۱۶۰	۱۰	۳۴۴.۴۱	۱۷	۷۹.۳۶	فارس
۷	۳۳۴۷	۲۸	۲۶۵۱۰	۱۶	۲۸۳.۱۴	۱۸	۷۸.۸۸	خراسان رضوی

۱. برگرفته از نتایج سنجش سرمایه اجتماعی کشور در سال ۹۴

۲. برگرفته از داده های ضریب جینی مرکز آمار ایران در سال ۹۴ با ادغام ضریب جینی شهری و روستایی

۳. به علت در دسترس نبودن همه داده ها برای استان البرز، داده های این استان با داده های استان تهران ادغام شده است.

ادامه جدول ۱

رتبه استان	رتبه استان در میزان سرمایه اجتماعی	رتبه استان در میزان سرمایه اجتماعی ^۱	رتبه استان در توزیع توسعه اجتماعی	رتبه استان در توزیع توسعه اجتماعی	رتبه استان در توسعه تکنولوژیک	رتبه استان در توسعه تکنولوژیک	نمره استان در توسعه تکنولوژیک بر حسب جمعیت	استان
۲۶	۸	۲۸۸۳۹	۱۷	۲۸۰.۹۱	۱۹	۶۳.۴۶	خراسان جنوبی	
۲۲	۲۹	۲.۶۴۵۷	۲۱	۲۴۸.۸۹	۲۰	۵۸.۶۷	کردستان	
۲۴	۱۹	۲.۷۸۰۱	۱۵	۲۸۴.۰۰	۲۱	۵۵.۱۸	اردبیل	
۱۸	۱۷	۲.۷۹۵۴	۲۵	۲۳۹.۲۵	۲۲	۵۲.۸۱	کرمانشاه	
۲۰	۱۴	۲.۸۲۵۶	۲۳	۲۴۱.۶۴	۲۳	۴۹.۳۶	کهگیلویه و بویر احمد	
۱۲	۴	۲.۹۳۹۸	۲۹	۱۷۳.۱۸	۲۴	۴۶.۴۸	خراسان شمالی	
۱	۵	۲.۹۳۵۸	۲۲	۲۴۸.۲۲	۲۵	۴۵.۹۰	گلستان	
۲۹	۲۴	۲.۷۵۳۸	۲۶	۲۳۲.۷۱	۲۶	۴۵.۳۱	آذربایجان غربی	
۱۵	۲	۲.۹۶۴۰	۱۳	۳۲۳.۶۵	۲۷	۴۱.۵۰	بوشهر	
۱۳	۱۸	۲.۷۸۴۲	۲۷	۲۲۷.۹۸	۲۸	۳۹.۲۴	خوزستان	
۱۱	۱۶	۲.۸۰۰۴	۳۰	۴۳.۷۳	۲۹	۳۷.۸۰	سیستان و بلوچستان	
۸	۶	۲.۹۳۲۲	۱۸	۲۷۰.۵۶	۳۰	۳۱.۵۲	هرمزگان	

توسعه تکنولوژیک: همانطور که از نتایج جدول فوق مشخص است استان سمنان با بیشترین نرخ توسعه تکنولوژیک رتبه نخست را دارا می باشد و پس از آن به ترتیب استان های یزد و قزوین رتبه دوم و سوم را دارا می باشند. در پایین جدول نیز استان های

۱. برگرفته از نتایج سنجش سرمایه اجتماعی کشور در سال ۹۴

۲. برگرفته از داده های ضریب جینی مرکز آمار ایران در سال ۹۴ با ادغام ضریب جینی شهری و روستایی

هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان کمترین میزان از توسعه تکنولوژیک را دارا هستند.

در ادامه به بررسی میزان شکاف موجود در میان استان ها در باب توسعه تکنولوژیک می پردازیم.

$$\frac{1357.2}{195.37} \cong 6.95$$

نتایج بررسی شکاف میان استان ها از حیث برخورداری از توسعه تکنولوژیک نشان می دهد که این توسعه در میان استان های کشور وضعیتی کاملا ناعادلانه دارد، بطوری که ۵ استان اول جدول تقریبا ۷ برابر بیشتر از ۵ استان انتهایی جدول توسعه یافته هستند.

توسعه اجتماعی توزیعی: نتایج جدول فوق در مورد توسعه اجتماعی توزیعی حاکی از آن است که استان یزد بیشترین میزان توسعه یافتگی اجتماعی را در بعد توزیعی آن داراست. و پس از یزد استان های سمنان و تهران قرار دارند. در پایین جدول نیز استان های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان کمترین میزان از توسعه اجتماعی توزیعی را دارا هستند.

$$\frac{2165.43}{890.72} \cong 2.43$$

نتایج بررسی شکاف میان استان ها از حیث برخورداری از توسعه تکنولوژیک نشان می دهد که این توسعه در میان استان های کشور وضعیتی ناعادلانه دارد، بطوری که ۵ استان اول جدول تقریبا ۲٫۵ برابر بیشتر از ۵ استان انتهایی جدول توسعه اجتماعی توزیعی برخوردار هستند.

سرمایه اجتماعی: همانگونه که از نتایج برمی آید استان های فارس، بوشهر و قم بیشترین میزان سرمایه اجتماعی را در کشور دارا می باشد و استان های اصفهان، کردستان و خراسان رضوی کمترین میزان را در این شاخص دارد.

$$\frac{14.8182}{13.267} \cong 1.12$$

میزان نابرابری: طبق نتایج جدول فوق بیشترین نابرابری در استان های گلستان، تهران و اصفهان مشاهده می شود و در میان استان های کشور لرستان، آذربایجان غربی و ایلام کمترین میزان نابرابری را دارا هستند.

$$\frac{1.7448}{1.2902} \cong 1.3523$$

نتایج تبیینی تحقیق

تحلیل دو متغیره

در این بخش بمنظور مشخص شدن سهم تأثیر متغیر توسعه تکنولوژیک بر ابعاد توسعه اجتماعی به تحلیل رگرسیونی^۱ داده ها پرداخته می شود. در تحلیل رگرسیونی خطی ساده، مقادیر یک متغیر (متغیر وابسته یا y) از روی مقادیر متغیر دیگر (متغیر مستقل یا x) به کمک یک معادله خطی محاسبه می شود. این معادله شکل کلی زیر را دارد:

$$y' = b_0 + b_1(x)_1$$

در این معادله، y' مقدار برآورد شده y ، b_0 عرض از مبدأ (مقدار ثابت رگرسیون)، b_1 ضریب زاویه (ضریب رگرسیون) و x_1 متغیر اول است (حبیب پور و صفری، ۱۳۸۸: ۴۸۳).

بُعد توزیعی توسعه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته

جدول (۶) مدل رگرسیونی دو متغیره را برای تبیین بُعد توزیعی توسعه اجتماعی نشان می دهد، همچنین جدول (۷) شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی را مشخص می کند:

جدول ۶- مدل رگرسیون دو متغیره برای تبیین بُعد توزیعی توسعه اجتماعی

Sig	مقدار t	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد B	
۰,۰۰۰	۴,۸۹۷	۰,۶۸	۰,۱۵۱	توسعه تکنولوژیک

جدول ۷- شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین بُعد توزیعی توسعه اجتماعی

۰,۶۸	ضریب همبستگی
۰,۴۶۱	ضریب تعیین
۰,۴۴۲	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۶۷,۲۹	خطای استاندارد

همانگونه که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی $M.R=0/68$ ، ضریب تعیین^۲ مساوی $R^2=0/461$ می‌باشد و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر $0/442$ می‌باشد و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۴۴ درصد از واریانس و تغییرات بُعد توزیعی توسعه اجتماعی توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. آماره‌های موجود در جدول (۶) گویای این واقعیت است که متغیر توسعه تکنولوژیک با بتای $0/68$ بطور مستقیم بر بُعد توزیعی توسعه اجتماعی تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که متغیر توسعه تکنولوژیک بر میزان توسعه اجتماعی استان‌ها مؤثر است. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر توسعه تکنولوژیک، میزان توسعه اجتماعی (در بُعد توزیعی) به مقدار $0/68$ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند.

سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته

جدول (۸) مدل رگرسیونی دو متغیره را برای تبیین بعد انسانی توسعه اجتماعی (سرمایه اجتماعی) نشان می‌دهد.

جدول ۸- مدل رگرسیون دو متغیره برای تبیین بُعد انسانی توسعه اجتماعی (سرمایه اجتماعی)

Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰,۴۵۳	-۰,۷۶۱	-۰,۱۴۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰	توسعه تکنولوژیک

1. Multiple Correlation R
2. R Square

بر اساس آماره های موجود در جدول (۸) مشخص می شود که توسعه تکنولوژیک تاثیر معناداری بر بُعد انسانی توسعه اجتماعی (سرمایه اجتماعی) ندارد.

نابرابری به عنوان متغیر وابسته

جدول (۹) مدل رگرسیون دو متغیره را برای تبیین نابرابری نشان می دهد.

جدول ۹- مدل رگرسیون دو متغیره برای تبیین نابرابری

Sig	مقدار t	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
۰,۳۳۸	-۰,۹۷۵	Beta -۰,۱۸۱	B ۰,۰۰۰	توسعه تکنولوژیک

همانگونه که در جدول (۹) ملاحظه می شود، میزان sig موجود در جدول نشان از این دارد که توسعه تکنولوژیک تأثیر معناداری بر نابرابری اقتصادی در جامعه ندارد.

نتیجه گیری

این تحقیق در پی فهم رابطه متقابل توسعه تکنولوژیک با توسعه اجتماعی بود. اما از آنجایی که استراتژی توسعه در طی صد سال اخیر در ایران عملاً بر مبنای گسترش توسعه صنعتی و تکنولوژیک قرار داشته است بنابراین در واقع این توسعه تکنولوژیک بوده که تقدم زمانی و علی بر دیگر وجوه توسعه داشته است، پس به لحاظ نظری تنها می بایست رابطه توسعه تکنولوژیک را به عنوان متغیر وابسته با توسعه اجتماعی مورد بررسی قرار داد. البته پر واضح است که در زنجیره تاریخی و فرایند زمانی تحولات، توسعه اجتماعی خود اثر گذار بر وضعیت تکنولوژیک (هم توسعه آن و هم رکود و عقب گرد آن) هست، منتها پژوهش در این باره موضوع تحقیق حاضر نبوده است.

در این مقاله به بررسی فرایند تاریخی نظریات توسعه پرداختیم و نشان دادیم که طی دو دهه اخیر مفهوم توسعه اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. همچنین مفهوم توسعه اجتماعی نیز به لحاظ تاریخی رشد و تحول یافته و بنابراین ابعاد جدیدی پیدا کرده

است. سپس رابطه نظری توسعه تکنولوژیک با توسعه اجتماعی روشن شد و بر این اساس فرضیات تحقیق تنظیم گردید.

روش پژوهش حاضر «تطبیقی کمی» بوده است. واحد تحلیل «استان»، سطح تحلیل «کشور» و واحد مشاهده «استان/ سال» می باشد. این طرح تحقیق «مقطعی» بوده و در بین سال های ۱۳۹۵-۱۳۸۰، بر اساس داده های کمی استان ها انجام گرفته است. تکنیک گردآوری داده ها، تحلیل ثانویه می باشد.

اهم نتایج این تحقیق در بعد توصیفی نشان دهنده این امر است که استان سمنان با بیشترین نرخ توسعه تکنولوژیک رتبه نخست را دارد و پس از آن به ترتیب استان های یزد و قزوین در رتبه دوم و سوم می باشند. نتایج بررسی شکاف میان استان ها از حیث برخورداری از توسعه تکنولوژیک نشان می دهد که این توسعه در میان استان های کشور وضعیتی کاملاً ناعادلانه دارد. بطوری که ۵ استان اول جدول تقریباً ۷ برابر بیشتر از ۵ استان انتهایی جدول توسعه یافته هستند.

بیشترین میزان توسعه یافتگی اجتماعی را در بعد توزیعی استان یزد داراست. و پس از یزد استان های سمنان و تهران قرار دارند. در پایین جدول نیز استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان توسعه یافتگی اجتماعی در بعد توزیعی را داراست. نتایج میزان نابرابری و اختلاف استان ها در این شاخص نشان می دهد شکاف تقریباً زیادی در میزان توسعه یافتگی اجتماعی در بعد توزیعی در میان استان های کشور وجود دارد. به گونه ای که ۵ استان اول تقریباً ۲,۵ برابر ۵ استان انتهایی جدول توسعه یافته هستند.

در بعد انسانی توسعه اجتماعی، استان فارس از بیشترین میزان سرمایه اجتماعی در کشور برخوردار می باشد و در عوض استان اصفهان کمترین میزان را در این شاخص دارد. بیشترین نابرابری در استان گلستان مشاهده می شود و استان تهران نیز در رتبه دوم قرار دارد. در میان استان های کشور لرستانو پس از آن آذربایجان غربی کمترین میزان نابرابری را دارا هستند.

در بخش نتایج تبیینی، نتایج رگرسیون حاکی از آن است که تقریباً ۴۴ درصد از واریانس و تغییرات بعد توزیعی توسعه اجتماعی توسط توسعه تکنولوژیک تبیین می‌شود. آماره های موجود گویای این واقعیت است که متغیر توسعه تکنولوژیک با بتای $0/68$ بطور مستقیم بر بعد توزیعی توسعه اجتماعی تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که متغیر توسعه تکنولوژیک بر میزان توسعه اجتماعی توزیعی استان‌ها مؤثر است. این مطلب را با توجه به نتایج توصیفی تحقیق و مقایسه استانها با یکدیگر بهتر مشخص می‌شود. استانهایی که از توسعه تکنولوژیک بالایی برخوردارند در بعد توزیعی توسعه اجتماعی نیز وضعیت مناسبی دارند. مثلاً استان سمنان که رتبه نخست توسعه تکنولوژیک را در میان استانهای کشور داراست رتبه دوم را در بعد توزیعی توسعه اجتماعی را دارد و همچنین استان یزد در حالی که رتبه دوم را از نظر توسعه تکنولوژیک دارد رتبه نخست توسعه اجتماعی را در بعد توزیعی دارا می‌باشد. بر همین اساس مشاهده می‌شود که استانهایی چون هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان که از نظر توسعه تکنولوژیک در انتهای رده بندی استانها قرار دارند از نظر بعد توزیعی توسعه اجتماعی نیز دارای وضعیت مناسبی نیستند.

در مقایسه رتبه استانها مشاهده می‌شود که برخی از استانهایی که دارای میزان سرمایه اجتماعی بالایی هستند از نظر سطح توسعه تکنولوژیک وضعیت مناسبی ندارند. به عنوان نمونه استان فارس در حالی که از نظر سرمایه اجتماعی در رتبه نخست قرار دارد ولی رتبه توسعه تکنولوژیک هفدهم را داراست و یا بوشهر که دارای رتبه دوم سرمایه اجتماعی در میان استانهاست ولی از نظر توسعه تکنولوژیک در رتبه بیست و هفتم قرار دارد. نتایج رگرسیونی نیز گویای آن است که توسعه تکنولوژیک تأثیر معناداری بر میزان سرمایه اجتماعی در استانها ندارد. همچنین بر خلاف پیش بینی ما توسعه تکنولوژیک میزان نابرابری در استانها را به گونه ای معنادار تحت تأثیر قرار نداده است.

کتابنامه

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات
۲. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه. تهران: نشر کلمه. چاپ اول
۳. بالاسا، بلا (۱۳۳۸) استراتژی های توسعه در کشورهای نیمه صنعتی، مترجم محمد علی حقی، تهران، سازمان برنامه و بودجه
۴. براهنمن، جان (۱۳۸۱) توسعه مردمگرا، مترجمین عبدالرضا رکن الدین افتخاری و مرتضی توکلی، تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بازرگانی
۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۳) سرمایه اجتماعی و سیاستهای اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۶. تودارو، مایکل. (۱۳۷۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی توسعه
۷. توکلی حسینی، نیره (۱۳۷۵). جامعه شناسی صنعتی، تهران: انتشارات پیام نور
۸. توکل، محمد. (۱۳۷۳). پارامترهای فرمی و محتوایی انتقال تکنولوژی: مسأله ای در جامعه شناسی علم و تکنولوژی. مجله نامه علوم اجتماعی. شماره ۷
۹. جباری، حبیب (۱۳۸۲) توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، زمستان، دوره ۳، شماره ۱۰ (ویژه نامه سیاست اجتماعی)
۱۰. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم. تهران: نشرنی.
۱۱. حبیب پور و صفری (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی)، تهران: انتشارات متفکران
۱۲. دیلینی، تیم (۱۳۹۱) نظریه های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی، تهران: نشر نیساننامه آماری کشور ۱۳۹۴
۱۳. سایت بانک مرکزی ایران
۱۴. سایت وزارت صنعت، معدن و تجارت
۱۵. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

۱۶. سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۸۸)، اقتصاد توسعه (موضوعات منتخب). مشهد. انتشارات موحد.
۱۷. عبداللهی، م. . موسوی، م (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، تا ۲۳۳ (۲۵) سال ۶
۱۸. قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۰)، در پیرامون خودمداری ایرانیان، تهران، نشر اختران، چاپ دوم.
۱۹. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰) اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران: نشر نی
۲۰. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۲) اقتصاد سیاسی ایران : از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز .
۲۱. گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۴). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. گونج، آ.آل. ماب. میسرا، آرپی (۱۳۶۸) توسعه منطقه‌ای؛ روش‌های نو، مترجم :عباس مخبر، انتشارات وزارت برنامه و بودجه- مرکز مدارک اقتصادی، چاپ اول، تهران.
۲۳. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۱) جامعه شناسی توسعه روستایی، شیراز، نشر زر
۲۴. مهرگان، محمدرضا (۱۳۸۷). پژوهش عملیاتی پیشرفته تهران، نشرکتب دانشگاهی، چاپ چهارم.
۲۵. موسایی، میثم (۱۳۸۸) رابطه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی، راهبرد یاس، شماره ۲۰، زمستان ۸۸
۲۶. هاریسون، فردریک و چارلز، مایرز. (۱۳۵۰). نیروی انسانی و رشد اقتصادی. ترجمه حسین موتمن. تهران.
۲۷. الیاسی، حمید (۱۳۶۴) وابستگی جهان سوم (تحلیل نظری)، تهران: موسسه اطلاعات

28. Abdolrahman, O. I. (2010). Time poverty: A contributor to women's poverty. *Journal of Statistique African*, 11(3), 16-37.
29. Bannet, F. (2004). *Development of social security, social policy review*. Bristol, England: The Policy Press.
30. Bisin, A., & Verdier, T. (2001). The economics of cultural transmission and the dynamics of preferences. *Journal of Economic Theory*, 97(3), 298-319.
31. Callen, J. L., & Fang, X. (2015). Religion and stock price crash risk. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 50(1-2), 169-195.
32. Domar, E. (1975). *Essay on the theory of economic growth*. Oxford, England: Oxford University Press.
33. Feldman, R. E. (1968). Response to compatriot and foreigner who seek assistance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 10(3), 202-214.

34. Francois, P. (2002). *Social capital and economic development*. London, England: Routledge.
35. Glaeser, E. L., Laibson, D., & Sacerdote, B. (2002). An economic approach to social capital. *The Economic Journal*, 112(483), 437-458.
36. Grootaert, C., & Bastellear, T. (2002). *The role of social capital in development*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
37. Hagen, E. E. (1980). *On the theory of social change*. New York, NY: The Dorsay Press.
38. Hahn, F. H., & Matthews, R. C. O. (1964). The theory of economic growth: A survey. *The Economic Journal*, 74(296), 779-902.
39. Jacobs, G., Macfarlane, R., & Asokan, N. (1997). *Comprehensive theory of social development*. Retrieved from https://www.icpd.org/development_theory/comprehensive_theory_of_social_development.htm:
40. Kaldor, N. (1957). A model of economic growth. *The Economic Journal*, 67(268), 591-624.
41. Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. *The American Economic Review*, 45(1), 1-28.
42. Matsumoto, M., Inoue, K., Farmer, J., Inada, H., & Kajii, E. (2010). Geographic distribution of primary care physicians in Japan and Britain. *Health and Place*, 16(1), 164-166.
43. Mazumdar, K. (1996). An analysis of causal flow between social development and economic growth: The social development index. *American Journal of Economics and Sociology*, 55(3), 361-383.
44. Mead, J. E. (1967). *A neo-classical theory of economic development*. Oxford, England: Oxford University Press.
45. Offe, C. (2002). A decline of social capital? The German case. In R. D. Putnam (Ed.), *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society* (pp. 111-113). Oxford, England: Oxford University Press.
46. Pasinetti, L. L. (1962). Rate of profit and income distribution in relation to the rate of economic growth. *The Review of Economic Studies*, 29(4), 267-279.
47. Putnam, R., Leonardi, R., & Nanetti, R. (1994). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
48. Solow, R. M. (1956). A contribution to the theory of economic growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65-94.
49. Veblen, T. (1912). *The theory of the leisure class: An economic study of institutions*. New York, NY: B. W. Huebsch.